

**Research Article**

**The Role of Home in Expanding Islamic Social Relations Within Contemporary Architectural Patterns Based on Three-Fold of Sureh Noor<sup>1</sup>**

Mostafa Seirafianpour<sup>2</sup>  
Abuzar Salehi<sup>4</sup>

Ahmad Aminpour<sup>3</sup>  
Masoud Nari Qomi<sup>5</sup>

Received: 16/02/2022

Accepted: 31/12/2022



**Abstract**

Home and family are influenced by each other. In other words, the matter is between two paths. First, assuming the house and the family being affected by it; Second, defining the ideal family, and designing a house

---

1. This article has been taken from the doctoral dissertation of Mustafa Sirfianpour (author) entitled "An explanation of the environmental capabilities of extended family housing, based on Islamic educational teachings" (supervisors: Dr. Ahmed Aminpour and Dr. Abuzar Salehi and advisor: Dr. Masoud Nari Qomi) from Isfahan Art University.

2. PHD Student of Isfahan Art University, Iran (corresponding author). m.seirafianpour@aii.ac.ir.

3. Associate Professor, Department of Architecture, Art University of Isfahan, Iran. aminpour@aii.ac.ir.

4. Assistant Professor, Department of Architecture, Art University of Isfahan, Iran. absalehi.arch@gmail.com.

5. Assistant Professor, Department of Architecture, Qom Boys Technical College, Qom, Iran. msnarighomi@ut.ac.ir.

---

\* Seirafianpour, M., & Aminpour, A., & Salehi, A., & Nari Qomi, M. (1401 AP). The Role of Home in Expanding Islamic Social Relations Within Contemporary Architectural Patterns Based on Three-Fold of Sureh Noor. *Journal of Islam and Social Studies*, 10(39), pp. 199-229.

DOI: 10.22081/JISS.2022.63370.1903

---

● © Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

---

based on it. Considering the western origin, the common patterns of housing in Iran, and its conflict with the desired Islamic family form, it is necessary to enter the second path. In this article, firstly, the western approaches of contemporary architecture that affect the family are illustrated on both ends of the individualistic and collectivist spectrum, and then the characteristics of the Islamic view are determined in the middle of this spectrum. For this purpose, by referring to the blessed Surah "Noor" and examining the verses related to the family, based on the thematic research method in the Holy Qur'an, a model is introduced to analyze and explain ideal relationships in housing. Based on this, the relationship of family members with each other and with others is explained in three sections. 1. Benefit 2. Being together 3. Direct relationship. Quotations related to housing in Islamic sources are presented in the continuation of these three sections, and based on them, the ideal level of relationships in each of the three types of relationships is illustrated. Based on three sections, desirable housing patterns based on Islamic social relations are identified, and it is possible to compare desirable Islamic housing with other housing patterns.

**Keywords**

Human social relations, contemporary patterns of architecture, house, family, Izn, Surah Noor.

### مقاله پژوهشی

## نقش خانه در گسترش روابط اجتماعی اسلامی در الگوهای معاصر معماری براساس سه گانه سوره مبارکه نور<sup>۱</sup>

مصطفی صیرفیان پور<sup>۲</sup>      احمد امین پور<sup>۳</sup>

ابوذر صالحی<sup>۴</sup>      مسعود ناری قمی<sup>۵</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۷      تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

©Author(s).



### چکیده

خانه و خانواده از همدیگر تأثیر می‌پذیرند؛ به بیانی دیگر امر بین دو راه دائر است؛ اول، مفروض گرفتن خانه و تأثیرپذیرفتن خانواده از آن؛ دوم، تعریف خانواده مطلوب و طراحی خانه مبتنی بر آن. نظر به خاستگاه غربی الگوهای رایج مسکن در ایران و تعارض آن با شکل خانواده مطلوب اسلامی، ورود به راه دوم ضروری می‌نماید. در این نوشتار، نخست رویکردهای غربی معماری معاصر که بر خانواده تأثیر گذارند، در دو سر طیف فردگرا و جمع‌گرا ترسیم می‌شود و سپس ویژگی‌های نگاه اسلامی در میان این طیف تعیین می‌گردد. به این منظور، با مراجعه به سوره مبارکه «نور» و بررسی آیات مربوط به

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری مصطفی صیرفیان پور (نویسنده مسئول) با عنوان: «تیین قابلیت‌های محیطی مسکن خانواده گسترده، مبتنی بر تعالیم تربیتی اسلام» (استادان راهنما: دکتر احمد امین پور و دکتر ابوذر صالحی و استاد مشاور: دکتر مسعود ناری قمی) از دانشگاه هنر اصفهان می‌باشد.
۲. دانشجوی دکتری معماری اسلامی دانشگاه هنر اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). [m.seirafianpour@au.ac.ir](mailto:m.seirafianpour@au.ac.ir)
۳. دانشیار گروه معماری دانشگاه هنر اصفهان، ایران. [aminpoor@au.ac.ir](mailto:aminpoor@au.ac.ir)
۴. استادیار گروه معماری دانشگاه هنر اصفهان، ایران. [absalehi.arch@gmail.com](mailto:absalehi.arch@gmail.com)
۵. استادیار گروه معماری دانشگاه فنی و حرفه‌ای، قم، ایران. [msnarighomi@ut.ac.ir](mailto:msnarighomi@ut.ac.ir)

\* صیرفیان، مصطفی؛ امین پور، احمد؛ صالحی، ابوذر و ناری قمی، مسعود. (۱۴۰۱). نقش خانه در گسترش روابط اجتماعی اسلامی در الگوهای معاصر معماری براساس سه گانه سوره مبارکه نور. فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۰ (۳۹)، صص ۱۹۹-۲۲۹.  
DOI: 10.22081/JISS.2022.63370.1903

خانواده، مبتنی بر روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، مدلی جهت تحلیل و تبیین روابط مطلوب در مسکن معرفی می‌شود؛ بر این اساس رابطه افراد خانواده با یکدیگر و با دیگران در سه‌نوع تبیین می‌شود: ۱. بهره‌مندی ۲. با هم‌بودن ۳. رابطه مستقیم. نقل‌های مربوط به مسکن در منابع اسلامی در ادامه این سه‌گانه ارائه می‌شود و مبتنی بر آن، حد مطلوب روابط در هر یک از سه‌نوع رابطه، ترسیم می‌گردد؛ بر اساس این سه‌گانه، الگوهای مطلوب مسکن مبتنی بر روابط اجتماعی اسلامی شناسایی می‌شود و امکان قیاس مسکن مطلوب اسلامی، با دیگر الگوهای مسکن فراهم می‌آید.

### کلیدواژه‌ها

روابط اجتماعی انسانی، الگوهای معاصر معماری، خانه، خانواده، اذن، سوره نور.

## مقدمه

خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است و حفظ روابط خانوادگی و تثبیت ساختار خانواده در معارف اسلامی از اهمیت بسیاری برخوردار است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۷۵). این نوشتار به بررسی موضوع خانه، بر اساس روابط مطلوب خانوادگی می‌پردازد؛ از منظر اسلام انواع روابط در مسکن را جستجو می‌کند و به دنبال حد مطلوب آن است. درخصوص تأثیر متقابل خانه و خانواده بر یکدیگر باید دانست که امر میان دو رویکرد دایره‌ای است؛ رویکرد اول، شکل گرفتن نوع جدیدی از روابط خانوادگی بر اساس خانه‌های جدید که در این رویکرد، اصالت با خانه است؛ و رویکرد دوم، که شکل‌گیری خانه بر اساس روابط مطلوب خانوادگی است (Tummers, 2015, p. 15). بخش قابل توجهی از معماری مسکونی امروز ما، رویکرد اول را برگزیده است و ناگزیر، روابطی برگرفته از معماری مسکونی وارداتی رقم خورده است. نتیجه انفعال در پذیرش الگوهای وارداتی و تأثیر قالب‌های محیط ساخته‌شده بر بهره‌برداران را در مقیاس بزرگ، در الگوهای شهرنشینی جدید، نظیر حومه‌های شهری پیشرفته و شهرک‌های اقماری می‌توان جستجو کرد، جایی که «لویس مامفورد<sup>۱</sup>» آنها را به‌عنوان مولد فرهنگ مصرفی معرفی می‌کند. در مقیاس کوچک نیز پژوهش‌های متعددی با موضوع تأثیر زندگی در خانه‌های آپارتمانی و مجتمع‌های مسکونی بر گسست روابط افراد خانواده‌ها از یکدیگر و کاهش بعد خانوار وجود دارد (دهدست و قبادی، ۱۳۹۹، ص ۹). تا مرز<sup>۲</sup> رویکرد دوم را به طور عمیقی بین‌رشته‌ای می‌داند؛ (Tummers, 2015, p. 15) چرا که یک سویه آن معماری و سویه دیگر آن ترسیم وضعیت مطلوب خانواده است که مربوط به حوزه علوم انسانی است. این موضوع حکایت از لزوم تعیین موضع نظری در شناخت و تحلیل خانواده و در ادامه آن، خانه دارد. پژوهش پیش رو، در راستای رویکرد دوم و مبتنی بر تعالیم اسلامی انجام شده است. یعنی شناخت روابط مطلوب اسلامی در خانه، میان افراد خانواده و همچنین بین ایشان و دیگران. در این پژوهش الگوهای رفتار-محیط، قابل برداشت از

1. Lewis Mumford.

2. Tummers.

نصوص اصلی سنت اسلامی به عنوان یک روش پیوند معماری با اسلام مورد نظر است.

منبع اصلی این پژوهش، قرآن کریم است و از آنجا که هر سوره، محور موضوعی خاص خود را دارد و مجموعه‌ای کامل از معانی است که واجد غرضی مشخص است، تحقیق موضوعی در حوزه یک سوره واجد اعتبار است (لسانی فشارکی، ۱۳۹۳، ص ۱۲). از آنجا که موضوع الگوی مطلوب مسکن اسلامی، مبتنی بر خانواده مطلوب اسلامی و روابط اعضای آن شکل می‌گیرد، توجه به خانواده، در مسیر پژوهش ضروری است. در میان سوره‌های قرآنی، سوره نور با محوریت خانواده است و آن را سوره خانواده نامیده‌اند (نبلی پور، ۱۳۹۰، ص ۲۴). آیه ابتدایی سوره نور به معرفی این سوره و تبیین جایگاه آن می‌پردازد. این سوره ویژگی متمایزی دارد، چراکه در این سوره یک مرتبه مجموع آیات، به اعتبار معنا و غرضی که دارند، یک «سوره» نامیده است و مرتبه دیگر آن را ظرفی برای بعضی از آیاتش که بینات است دانسته است (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ص ۱۱۱) و شامل احکام و مضامینی است که حق را در نسبت با غیر حق مشخص و مرزها را تعیین می‌کند. بخش قابل ملاحظه‌ای از این آیات در خصوص خانواده و روابط مطلوب خانوادگی است. بر این مبنا موضوع «روابط خانوادگی در مسکن» در سوره نور و با «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم» (لسانی فشارکی، ۱۳۹۳) مورد مطالعه قرار گرفت. مبتنی بر این روش، کلیدواژه‌گان «بیت»، «اذن»، «طوف» و «اکل» در بستر آیه و روش‌های مربوطه بررسی شد و انواع روابط در خانه، در ذیل سه عنوان «بهره‌مندی»، «با هم‌بودن» و «رابطه مستقیم» دسته‌بندی شدند. نظر به اینکه خانواده اساس مسکن است، مبتنی بر تعالیم این سوره، خانواده مطلوب مفهومی وسیع‌تر از خانواده هسته‌ای دارد و نزدیک به خانواده گسترده عمودی است.

با هدف ترسیم شاخه‌ها و شئون مختلف هر یک از روابط سه‌گانه مذکور، به منابع روایی مراجعه شد. اقتضای مراجعه روشمندان انتخاب کلیدواژه‌های مرتبط و مورد تأیید است که از تقاطع دو حوزه تربیت اسلامی و مسکن به دست می‌آید. کلیدواژه‌ها توسط نگارنده انتخاب و جهت تحقق معیارهای تصدیق‌پذیری و تأییدپذیری، از طریق مثلث بندی به تأیید دو نفر از محققین حوزه معماری اسلامی رسید (ر.ک. گروت و یانگ، ۱۳۹۴ ص ۳۵).

## ۱. طیف دیدگاه‌ها درباره روابط در خانه

دیدگاه اسلامی در خصوص روابط اهل خانه در مقایسه تطبیقی با دیدگاه‌های دیگر امکان تبیین می‌یابد. دیدگاه‌هایی که طیف فردگرایی تا جمع‌گرایی را تشکیل می‌دهد. یک سوی طیف دیدگاه‌ها، ایده‌آلیست‌های معتقد به اصالت جمع است که در جوامع مارکسیستی و مبتنی بر سلب هویت فردی شکل گرفته‌اند و غایت آن تحقق جامعه‌ای بدون سلسله‌مراتب است و سوی دیگر طیف، دیدگاه مبتنی بر اصالت فردیت است. بررسی جایگاه کاربر مسکن در دیدگاه اسلامی در میان این طیف وسیع روابط و همچنین مطالعه تطبیقی میان این رویکردها به منظور تبیین وضعیت ایده‌آل کاربر مسکن، مسئله این پژوهش است.

### ۱-۱. جمع‌گرایی غربی

نیمه اول سده نوزدهم، دوران ظهور اتویپاهای سوسیالیستی در اروپاست که به طور عمده با ارائه اشکال جدید زندگی آرمان‌خواهانه یا لذت‌جویانه و وعده ساخت جامعه‌ای نوین، افرادی را به خود جذب کردند (ر.ک: پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۸۶) و بروز خارجی آن در مسکن‌های اشتراکی نمایان شد. رابرت اوئن<sup>۱</sup>، ذیل نظریه محیطی خود خانواده‌ای با تعداد اعضای ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ نفر تعریف کرد که حد بهینه آن را ۱۲۰۰ نفر می‌داند. اجتماع پیشنهادی (فالانژ) فوریه، ۱۶۰۰ نفره بود و خانه‌ای (فالانستر) برای این تعداد در نظر گرفت که گروه‌بندی ساکنان آن بر اساس سن بود و نه روابط خانوادگی. فوریه «خاستگاه مشکلات را در ازدواج قانونی می‌دید و آن را نوعی معامله اقتصادی - تجاری، بین انسان‌ها قلمداد می‌کرد» (ر.ک: پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱). این مدل در کنگره سوم سیام دوباره مطرح و توصیه شد. ایکاریای کابه نیز یک اجتماع کمونیستی بود که در آن از مالکیت خصوصی بر زمین و ابزار تولید خبری نبود و افراد در خانه‌هایی چهارطبقه با سرویس و آشپزخانه و غذاخوری مشترک زیست می‌کردند (ر.ک: پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰). حمله به ساختار برخاسته از مذهب و خانواده و ارائه مدل‌های زندگی اشتراکی، وجه مشترک بسیاری از این جوامع خودخوانده بود.

1. Robert Owen.

جدول ۱: ویژگی‌ها، ساختار و موقعیت مکانی الگوهای مسکن جمع‌گرا (پاکزاد، ۱۳۸۶)

تیموان کابنه	مواوین ها	رایست ها	شبکرها	تیموان فورید	تیموان اوئن	کمالگرایان	تیموان هوتز	آماناس	جماعت
۱۸۴۸ تا ۱۸۹۸	۱۷۷۰ تا حدود ۱۸۵۰	۱۹۰۵ تا ۱۸۰۵	۱۷۷۰ تا به تدریج مردند	۱۸۵۸ تا ۱۸۴۳	۱۸۲۸ تا ۱۸۲۵	۱۸۸۰ تا ۱۸۴۸	۱۸۴۷ تا به امروز	۱۸۴۲ تا ۱۹۳۲	دوره
فرانسوی	آلمانی	آلمانی	انگلیسی و امریکایی	امریکایی	انگلیسی، فرانسوی و امریکایی	امریکایی	آلمانی	آلمانی	ملیت
سوسیالیستی	مذهبی	مذهبی	مذهبی	مذهبی	سوسیالیستی	مذهبی سوسیالیستی	مذهبی	مذهبی	مبانی فکری
۵۰۰	حدود ۵۰۰۰	۹۲۰	۶۶۰۰	حدود ۶۰ نفر	۱۰۰۰	۳۰۶	۱۷۵۰۰	۱۸۰۰	حداکثر تعداد اعضا به نفر
۶ مجتمع	شهرهایی در پنسیلوانیا	هامونی، نیوهامونی، اکونومی	۱۸ مجتمع در ایالات مختلف	۴۰ فالانستر در ایالات مختلف	نیوهامونی ایندیانا	اونیدا نیویورک	امریکا و کانادا ۱۷۲ مهاجرنشین	آمانا/آیووا ۷ روستا	مکان
اتین کابه	در امریکا سیندورف و دیگران	گنورگ راب	ان لی	شارل فوریه	رابرت اوئن	جی. اچ. ن. یز	ک. متس. ب. هاینه من	ک. متس. ب. هاینه من	بنیانگذار
اشترکی	در دهه اول اشترکی	اشترکی	اشترکی	شرکت سهامی تعاونی	تأمین مالی توسط اوئن و مک لور	اشترکی	اشترکی	اشترکی	نوع مالکیت
خانواده تک هسته‌ای	خانواده تک هسته‌ای	خانواده تک هسته‌ای	بی‌همسری	خانواده تک هسته‌ای	خانواده تک هسته‌ای	ازدواج جمعی	خانواده تک هسته‌ای	خانواده تک هسته‌ای	ساختار اجتماعی



## ۲-۱. فردگرایی غربی

روی دیگر این سکه که در نیمه اول سده بیستم ظهور کرد، حذف مراتب میانی جامعه را نه با تعریف خانه‌های اشتراکی چند صد خانواری، بلکه با تضعیف و حتی تخریب نهاد خانواده در مقیاس واحد خانه، در دستور کار قرار داد. فردگرایی مزبور، در دو دیدگاه به ظاهر متضاد ظهور کرد. یک سوی این دو قطب به نگاه مارکسیستی متعلق بود که در کتاب مسکن حدآقل کارل تایگه<sup>۱</sup> به ظهور رسید. این کتاب منتشر شده در سال ۱۹۳۲ را می‌توان مؤثرترین کتاب مدرنیستی نگاشته شده درباره مسکن دانست. در این کتاب وی به صراحت مسکن حدآقل را وسیله‌ای برای نابودی بنیاد سنتی خانواده برشمرد و این تحول را گامی اساسی در جهت تحقق انقلاب مورد نظر مارکس می‌شمرد. این مسکن حدآقل، در حد ایده‌آلی خود، یک اتاق خواب دونفره است و تمام کارهای تولیدی از آن به سطح عمومی منتقل شده و بچه‌ها نیز تمام وقت در اختیار تعلیمات عمومی‌اند. در بخش‌های انتهایی کتاب، الگوی محقق شده این مسکن، هتل‌های امریکایی معرفی شده است که در آن تمام سرویس‌های زندگی، خارج از بخش خصوصی (اتاق) و به صورت عمومی ارائه می‌شود.

اقتا فردیت به عنوان جوهره مدرنیته، یک موضوع مربوط به ذات فرهنگ غربی است که در مارکسیسم به صورت ضمنی و پنهان و در لیبرالیسم به عنوان محور آشکار و اصلی، دیده می‌شود. بحث فردیت در خانه را در موضوع اتاق فردی در خانه و پیدایش آن می‌توان جستجو کرد که از دوران مدرنیست‌های اولیه، به عنوان یک پدیده جدید در خانه مورد توجه قرار گرفته بود. در این پارادایم، لوکوربوزیه، صومعه‌های تک نفره پراکنده در فرانسه را به عنوان الگو و سلول مولد خانه معرفی کرد و موندریان با پیشنهاد این سلول به عنوان واحد مولد خانه، خیابان و شهر، از این الگو در مقابل دستیل دفاع کرد (Overy, 1997, pp. 119-120). به نقل از ناری قمی، عباس‌زاده، (۱۳۹۵). در این دیدگاه، خانه اگر

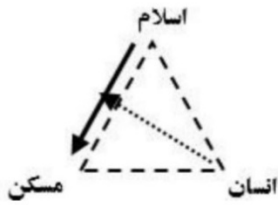
1. Karel Teige.

هم پذیرای جمع باشد، غایت آن بهره‌مندی دیگران نیست؛ گافمن این موضوع را با مفهوم «نمایش» توجیه و تحلیل می‌کند. استعاره نمایش و صحنه برای فضاهای زندگی روزمره و عنوانی که گافمن بکار می‌برد - نمایش خود در زندگی روزمره (Goffman, 1959) به نقل از مدنی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۸۹) - روشی است برای بیان این که چگونه می‌توان هنجارهایی برای رفتارهای اجتماعی داشت و در عین حال، فردیت و آزادی فردی مورد ستایش لیبرالیسم را مورد خدشه قرار نداد (مدنی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۸۳). از سوی دیگر، در دیدگاه فردگرا خانه محل خلوت فردی است و ارتباطات جمعی به بیرون از خانه تعلق دارد. ظهور این دیدگاه در نظریه «مکان سوم» که مبتنی بر نگاه پراگماتیسمی و در بستر روان‌شناسی محیطی آمریکایی از سوی آلدنبرگ و بریست طرح شده قابل رصد است.

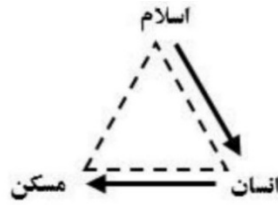
## ۲. مسکن مطلوب اسلامی

### ۲-۱. رابطه مسکن و معماری

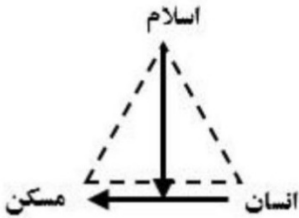
مراجعه معمارانه در حوزه مسکن به اسلام، به چهار نوع تقسیم شده است (تصویر ۱). در گونه‌های اول و دوم مطالعات با اولویت اسلام است. گونه اول، به بررسی نگرش تربیتی اسلام در مورد روح و جسم انسان و تداعیات این امر در مسکن توجه دارد. این رویکرد، زیست مؤمنانه انسان را مبتنی بر منابع اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهد و اقتضانات مکانی آن را در حوزه مسکن جویا می‌شود. در این دیدگاه ارزش‌گذاری نه مستقیماً بر کالبد معماری، که بر روابط و رفتارهای بهره‌برداران واقع می‌شود و کالبد معماری به واسطه ساختار بهره‌بردار و اقتضانات فضایی رفتار مطلوب، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. گونه دوم، بررسی نگاه اسلام به ماهیت محیط مصنوع (خانه) یا نحوه تجلی مفاهیم اسلامی در آن. این رویکرد توصیه‌های اسلامی در خصوص محیط مصنوع را مورد توجه قرار می‌دهد (ر.ک. ناری قمی، ۱۳۸۹، ص ۷۱). رویکرد اول، رویکرد برگزیده این پژوهش است که در آن دو وجه فردی و اجتماعی انسان از منابع اسلامی اخذ و لوازم و تداعیات آن در مسکن مورد بررسی قرار می‌گیرد.



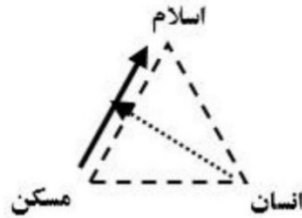
گونه‌ی دوم: بررسی نگاه اسلام به ماهیت محیط مصنوع یا نحوه‌ی تجلی مفاهیم اسلامی در آن



گونه‌ی اول: بررسی نگرش تربیتی اسلام در مورد روح و جسم انسان و تداعیات این امر در مسکن



گونه‌ی چهارم: مطالعه با اولویت انسان - بررسی محیط مصنوع از دیدگاه علوم انسانی با اعمال نگرش‌های اسلامی به عنوان عامل مشروط کننده‌ی دیدگاه‌های هنجاری در این علوم



گونه‌ی سوم: مطالعه با اولویت مسکن (محیط کالبدی) - بررسی محیط مصنوع متناسب به اسلام و مطالعه‌ی نقش آموزه‌های اسلامی و مسائل مطرح در علوم انسانی در شکل دهی و ایجاد ویژگی‌های خاص شناخته شده در معماری

تصویر ۱: مدلی از گونه‌های مختلف مطالعه در حوزه رابطه مسکن و اسلام (ناری قمی، ۱۳۸۹)

## ۲-۲. روابط مطلوب در مسکن از منظر اسلام

روابط مطلوب افراد با دیگران از منظر اسلام در آیه ۱ سوره مبارکه نساء، با تعبیر «تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ» بیان شده است. برای تحقق تقوا، انسان‌ها می‌باید همدیگر را به خدا و با یاد خدا بخوانند و به او روی آورند (ر.ک. طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۱۱۴). در این تعبیر رابطه سه‌سویه «فرد» (افراد)، «دیگران» و «خداوند» طرح شده است. بر مبنای این رابطه سه‌سویه، امیال فردی لزوماً واجد اعتبار نیست و انسان مسئولیتی در قبال دیگران دارد که در نسبت با خدا معنا می‌شود و اعتبار می‌یابد. «دیگرانی» که با ایشان دارای نسبت هستیم و همه از یک نفس و یک زوج آفریده شده‌ایم (نساء، ۱). این نوع از رابطه، یکی از وجوه اصلی تمیز بینش اسلامی از نگرش‌های فردمحور و منفعت‌محور است. بعد از

عبارت «تَسَاءَلُونَ بِه» ، توصیه به «ارحام» شده است. در این رابطه، «ارحام»، حلقه اصلی اتصال به «دیگران» است و والدین رأس هرم ارحام هستند و در قرآن کریم، تأکیدی ویژه بر این موضوع شده است. در سوره نساء، آیه ۳۶، سوره اسرا آیه ۲۳ بقره، آیه ۸۳ و انعام، آیه ۱۵۱ بی درنگ پس از امر به توحید، امر به احسان به والدین آمده است و معلوم می‌شود از مهم‌ترین واجبات بعد از توحید، احسان به والدین است. در سوره اسرا، آیه ۲۳ تأکید به احسان و عدم رنجش والدین خاصه در دوره سالخوردگی شده است. در سوره نساء آیه ۳۶ و سوره بقره، آیه ۸۳، دایره دیگری که می‌بایست مورد احسان قرار گیرند تعریف شده است. بعد از والدین، ذی القربی به معنای خویشاوندان (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۲۸) و سپس یتیمان و فقیران ذکر شده‌اند. با این مقدمه می‌توان گفت که حلقه اصلی «دیگران»، خانواده و سپس خویشاوندان هستند.

### ۲-۳. انواع رابطه «اهل» و «بیت» در سوره نور

سوره نور را سوره خانواده نامیده‌اند (نیلپور، ۱۳۹۰، ص ۳). آیات ۵۸ الی ۶۱ این سوره که یک سیاق را تشکیل می‌دهند به طور خاص به مناسبات خانوادگی در خانه می‌پردازد و نسبت‌های میان مؤمنان در خانه را بیان می‌دارد. در آیه ۵۸ سوره نور، به دو نوع از حضور افراد با یکدیگر در خانه می‌پردازد. نوع اول، حضوری است که همراه با «اذن» می‌باشد و شامل رابطه سمعی و یا بصری می‌شود که با توجه خاص به مخاطب همراه است. این نوع رابطه که در این نوشتار با عنوان «رابطه مستقیم» معرفی می‌شود، واجد آدابی است و به مجوز مخاطب نیاز دارد و در سوره نور با واژه «اذن» بدان توجه شده است. نوع دوم، رابطه اعضای خانواده با یکدیگر در خانه که در آیه ۵۸ آمده است اشاره به باهم‌بودنی است که لزوماً رابطه مستقیم و توجه خاصی را به همراه ندارد، که با کلمه «طَوَّافُونَ» و ریشه «طَوَّفَ» معرفی شده است و قیود «رابطه مستقیم» را ندارد. این نوع از رابطه با تعبیر «با هم‌بودن» معرفی می‌شود. نوع سوم رابطه در آیه ۶۱ که آیه آخر این سیاق است با کلمه «اکل» آمده است. در این آیه به تفصیل موضوع جواز اکل از بیت دیگران تبیین شده است. این نوع از رابطه با عنوان «بهره‌مندی» معرفی شده است.

### ۳-۲-۱. «رابطه مستقیم» اهل خانه با یکدیگر

برای بیان چگونگی ورود به حریم‌های مکانی و حتی خروج از آن، در قرآن و حدیث از ظرفیت کلمه «اذن» بهره گرفته شده است. روح معنای «اذن» در قرآن، صرف اطلاع همراه به رضایت است و «أذن» در جایگاه صفت مشبیه، معنایش مطلع راضی و موافق است و «استیذان» طلب توافق و رضا است. در کلمه «استیذان» و سایر کلمات باریشه «أذن»، اصالتِ طریقِ اطلاع، از میان حواس ظاهری با حس شنوایی است (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۶۹). چنانچه در آیه ۵۸ سوره نور آمده است، هدف استیذان، دیده‌نشدن افراد در حالات نامعروف است؛ از این رو اذن، ماهیتی شنیداری و پایانی شنیداری دارد و نتیجه آن برقراری رابطه شنیداری و دیداری است که در این نوشتار با عنوان «رابطه مستقیم» معرفی می‌شود. در قرآن کریم، درخصوص ورود به خانه و فضاهای مربوط به آن، از کلمه «اذن» بهره گرفته شده است. از لحاظ کالبدی، این دخول با گذر از «باب» معنا می‌شود و هر گونه ورود دیگر، حتی از سوی اهل مکان، تخلف از معیار دین یا تجاوز محسوب می‌شود. از این نظر در آیه ۵۸ سوره مبارکه نور، بازه‌های زمانی اذن‌خواهی اهل خانه برای ورود به حریم والدین بیان شده است. در این آیه اهل خانه به واسطه حضور در خانه با همدیگر هستند، لکن جهت برقراری ارتباط مستقیم باید اذن بگیرند. اذن‌پذیر بودن فضا با دو مفهوم «محرمیت» و «خلوت» ارتباط دارد. محرمیت به معنای کنترل انتقال «اطلاعات» از فرد یا افراد به دیگران است (ناری قمی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۳)؛ اینکه چه اطلاعاتی از دیگران توسط فرد دریافت شود نیازمند اجازه از ایشان است. خلوت نیز به معنای کنترل «ارتباط» دیگران با فرد یا افراد است (ناری قمی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۳)، به این معنا که برقراری ارتباط با دیگران نیازمند اجازه است. در ادبیات اسلامی تعبیر «حریم»، هر دو مفهوم تخصصی خلوت و محرمیت را در خود دارد. این حریم وجوه مختلف شنیداری، دیداری، بویایی و حضور فیزیکی را شامل می‌شود. البته اذن گرفتن، تنها برای برقراری رابطه نیست؛ بلکه قطع رابطه نیز نیازمند اذن است. در آیه ۶۲ سوره نور به واسطه اجتماع مؤمنان رابطه‌ای ایجاد می‌شود که خروج از آن نیز باید با «اذن» همراه باشد. چنانچه در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، از حقوق همنشین،

اجازه گرفتن پیش از بلندشدن از نزد وی بیان شده است (رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، حق سی‌ام). در لسان قرآن و روایات، به حریم در لایه‌های مختلف خانه، شامل ورود به خانه، مکان زوجین، مکان بانوان، مکان آقایان و مکان فرزندان پسر و دختر توصیه شده است. در موضوع حریم خانه، عدم اجازه ورود به خانه بدون اجازه صاحب‌خانه (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۷۶، صص ۱۹۶ و ۲۷۹)، محکوم‌بودن دیدن خانه همسایه و ایجاد منفذ به آن بدون اذن (مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۰۵)، محکوم‌بودن اشراف ساختمان به خانه همسایه (نجفی، ۱۳۹۱، ج ۲۶، ص ۲۴۴)، تأکید بر لزوم پوشانندگی خانه در خصوص احوالات و اطلاعات افراد درون آن (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۷۳، ص ۱۴۸) به عنوان ویژگی‌های آشکار خانه مورد تأکید قرار گرفته‌اند که همگی موجبات راحتی افراد مؤمن<sup>۱</sup> ساکن در آن را فراهم می‌آورد؛ به بیان دیگر فرد مؤمن در معرض دید دیگران احساس آرامش نمی‌کند و نیاز او به پوشیده ماندن می‌بایست در خانه پاسخ داده شود. حریم مکان زوجین در آیه ۵۸ سوره نور<sup>۲</sup> مورد توجه قرار گرفته است. تعبیر «مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ» و «مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ» یعنی «از نماز عشاء تا نماز صبح»، برای اذن‌خواهی، بازه زمانی تعیین می‌گردد تا فراغت و امنیت زوجین فراهم آید. زمان دیگر «حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ» به معنای «وقتی از ظهر که هریک از زوجین جامه خود را از تن در می‌آورند».

در روایات متعدد از تأثیرات سوء حاصل از عدم رعایت حریم دیداری و شنیداری زناشویی روی فرزندان سخن به میان آمده است (نجفی، ۱۳۹۱، ج ۲۶، ص ۱۳) لزوم جداسازی محل خواب کودکان از والدین در سن تمیز که هفت تا ده سال تعیین شده است

۱. تعیین مؤمنان به عنوان مخاطب در بیان امام صادق علیه السلام «ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهِنَّ رَاحَةٌ دَارٌ وَاسِعَةٌ تُؤَارَى عَوْرَتُهُ وَ سُوءُ خَالِهِ مِنَ النَّاسِ» (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۷۳، ص ۱۴۸) و همچنین مخاطب آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ» (نور، ۵۸)، این ویژگی‌ها را برای جامعه مؤمنان مطلوب می‌شمرد.

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نور، ۵۸).

(نجفی، ۱۳۹۱، ج ۲۶، ص ۱۳)، شکل حریم زوجین و زمان تقویت آن حریم را ترسیم می‌کند. این حریم برای تفکیک محل خواب فرزندان از هم، اعم از دختر و پسر نیز بیان شده است (کلینی رازی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۴۶). حریم دیگری که در روایات آمده است حریم بانوان خانه است که در قالب اختصاص اتاقی به ایشان (کلینی رازی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۴۶) که از حضور غیر ایمن باشد (اشعث کوفی، ۱۳۹۱، ص ۹۸) و می‌توانند آزادانه‌تر به آراستگی خود و مکان‌شان پردازند. به طور کلی در ادبیات معصومان «اتاق»، به‌عنوان سلول تشکیل خانه با ایجاد حریم آن و دیده‌نشدن درون آن تعریف شده است (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۷۳). بخشی از رعایت حریم و پنهان‌بودن اتاق‌ها به واسطه معماری حاصل می‌شود و بخشی از آن با غضب و بصر و تربیت اسلامی محقق می‌گردد. چنانچه بیان شد مخاطب این توصیه‌ها، مؤمنان هستند. پرداختن به معماری اسلامی، بدون توجه به تربیت و آداب اسلامی که کاربران آن باید به آن مؤدب باشند امری ناتمام است. چرا که آداب، در قامت رفتارهایی ظهور می‌کند و کالبد معماری متأثر از آن رفتارها است. در آداب اذن ورود طلبیدن امام صادق علیه السلام فرمودند: «هنگامی که اجازه ورود به خانه را گرفتید اول سلام کنید که یکی از نام‌های خداوند می‌باشد، البته اجازه گرفتن باید از پشت درب، قبل از نگاه کردن به داخل خانه باشد، شما امر به اجازه گرفتن شده‌اید به خاطر آنچه چشم‌تان می‌بیند. اجازه ورود باید سه مرتبه باشد، و هر گاه اجازه دادند داخل شوید، و اگر گفتند برگرد باید فوراً مراجعت کنی، اجازه اول برای شنیدن اهل خانه است، دوم برای حفظ حجاب آن‌ها، سوم از این جهت که خواستند اجازه دهند یا ندهند، و اگر اجازه ندادند باید برگردد» (طبرسی، ۱۳۷۹، ص ۴۰۵)؛ در اینجا و پس از ورود، دخول به حجره‌ها (اتاق‌ها)، دیگر حتی اذن‌خواهی به زبان هم، تجاوز به حریم محسوب می‌شود و فرد باید ساکت بایستد تا اجازه به او داده شود: «إِنَّ الَّذِينَ ينادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ وَ لَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَ اللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ» (حجرات، ۴). و پس از آن نوبت به کندن پای افزار می‌رسد (همانند حضرت موسی علیه السلام در وادی مقدس طوی): امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ» فرمودند: «منظور، کندن کفش و سلام کردن است» (ابن بابویه، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳۶۶). سپس گفتن «بسم الله» در

هنگام ورود به اتاق خود؛ علی علیه السلام فرمود «هرگاه خواستید وارد اطاقتان شوید «بسم الله» بگوئید تا شیطان همراهش فرار کند» (ابن بابویه، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳۶۶). به این صورت، معنای مکان، با حرکت به درون، از جانب مادی به انسانی و سپس الهی می‌رسد و پیوند ماورایی آن، بسیار عمیق‌تر می‌شود.

## ۲-۳-۲. «با هم‌بودن» اهل خانه

شکل‌گیری اجتماع مسلمانان در مقیاس‌های مختلف در روایات معصومین علیهم‌السلام مورد سفارش است. در مقیاس شهر، به سکونت در شهرهای بزرگ سفارش شده است و علت آن، صرف شکل‌گیری اجتماع مسلمانان ذکر شده است (نهج البلاغه، نامه ۶۹). این موضوع در مقیاس خانه هم ذکر شده و متوجه نوع دیگری از رابطه اعضای خانواده با یکدیگر در خانه است. در این رابطه، باهم‌بودنی شکل می‌گیرد که لزوماً رابطه مستقیم و توجه خاصی را به همراه ندارد و با کلمه «طَوَّافُونَ» و ریشه «طَوَّفَ» معرفی شده است. «طوف» به معنای حرکت حول یک شیء است، خواه شیء مورد طواف مادی باشد یا معنوی، مطلوب باشد یا نامطلوب. تفاوت آن با «دور» و «دوران» این است که در طوف شیئی دیگر وجود دارد؛ ولی در «دوران» مطلق حرکت دوری مورد نظر است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۱۷۱). در آیه ۵۸ سوره مبارکه نور، تعبیر «طَوَّافُونَ عَلَیْكُمْ» جهت بیان نحوه حضور فرزندان و سایر اهل خانه استفاده شده است و به «باهم‌بودن» با محوریت والدین توجه دارد. در «باهم‌بودن» لزوماً رابطه شنیداری و دیداری بین افراد وجود ندارد و منظور تنها همجواری افراد با یکدیگر است، ولی در رابطه مستقیم علاوه بر همجواری، ارتباط سمعی و یا بصری هم بین افراد برقرار است. رابطه «باهم‌بودن» با ادبیات هیلیر قابل توصیف است. او برای همپیوندی فضاها که به حضور مشترک افراد در یک فضا یا چند فضای همپیوند منجر می‌شود، کارکرد اجتماعی قائل است. «افرادی که با هم در جایی حضور دارند، ممکن است یکدیگر را نشناسند یا به هم توجهی نداشته باشند، اما این موضوع، نمی‌تواند به آن معنی باشد که حضور مشترک، یک پدیده اجتماعی یا یک منبع روابط اجتماعی نیست.



الگوهای حضور مشترک، حتی بدون آنکه به تعامل بیانجامند، منبعی روان‌شناختی هستند. الگوهای حضور مشترک و هم‌آگاهی، محصولات متمایزی از طراحی فضایی هستند و عناصر اولیه آنچه را که «جامعه مجازی» خوانده خواهد شد، تشکیل می‌دهند» (Hillier, 2007, p. 141).

### ۳-۳-۲. «بهره‌مندی» از خانه‌های یکدیگر

«حریم شخصی» مؤمن، به معنی حوزه تدافعی وی در مقابل جامعه نیست و به‌عکس، دستوره‌های دینی، گاه مؤمن را ملزم به پذیرش دیگران در این حوزه و حتی شریک کردن آنان در اموال خود می‌کند (ناری قمی، ۱۳۸۹، ص ۷۲). تناقض مفهومی میان «حفظ حریم» و «عدم دفع حاجت‌مندان و مهمانان» در خانه، امری است که در خانه‌های مسلمین حل شده است. توجه به این موضوع که اولی، امری مربوط به عرصه خصوصی و دومی، وابسته به عرصه عمومی است (ناری قمی، ۱۳۸۹، ص ۷۳) و تربیت اسلامی که در اموال مؤمنان حقی برای دیگران قائل است موجب حفظ حریم مؤمنان در عین خدمت‌رسانی به دیگران شده است. آیه ۶۱ سوره مبارکه نور به «اکل» از «بیوت» مؤمنان می‌پردازد. «اکل» تناول همراه با از بین رفتن صورت و تشخیص مأكول (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۱۴) معنا شده است. در مفردات راغب معنای بهره و نصیب نیز برای آن آمده است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۱، ص ۱۸۱). «اکل» در این آیات، معنی بهره و نصیب همراه با ازاله صورت مأكول را افاده می‌کند. حرف اضافه «أو» بین خانه‌های مؤمنان و خانه‌های اقوام و دوستانشان، مبین این موضوع است که مؤمنان در بهره‌مندی از خانه‌های اقوام و دوستانشان حقی همسان با بهره‌مندی از خانه خود دارند. در دین اسلام خانه‌های نامبردگان با خانه‌های خود شما فرقی ندارد چون در این دین مؤمنان اولیاء یکدیگرند و در حفظ خانه و زندگی یکدیگر فرقی با خانه و زندگی خودشان نمی‌گذارند. آن‌طور که صاحب اختیار و سرپرست خانه خویشند، خانه‌های خویشاوندان و کسانی که شما قیم و سرپرستی آنها را عهده دارید و دوستان خویش را سرپرستی می‌کنند»

(طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ص ۲۲۸). در روایات تأکیدات زیادی مبنی بر مطلوبیت خانه وسیع (یرقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۶۱۱ به نقل از قربانی، ۱۳۹۴) شده است و تنها وجه مطلوبیت آن، امکان بهره‌مندی دیگران از خانه ذکر شده است؛<sup>۱</sup> همچنین برای خانه شرافت و برکتی ذکر شده است که به واسطه حیاط وسیع رقم می‌خورد (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۲۵)، چرا که حیاط وسیع، امکان حضور دیگران و بهره‌مندی ایشان از خانه را فراهم می‌آورد و تعبیر «الخلطاء الصالحون» وجه علی و کارکردی حیاط وسیع در بهره‌مندی دیگران را تبیین می‌نماید.

حضرت رسول ﷺ «برکت» را در جماعت مؤمنان می‌دانند (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۶۶، ص ۳۴۹). برکت به معنای ثبوت و پایداری خیر الهی در چیزی (راغب، ۱۳۶۱، ص ۱۱۹) و رشد و افزایش است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۸۶). در تفسیر التحریر و التئیر، برکت به معنای خیر نافع ذکر شده است؛ همچنین برکت، امری غیر محسوس، اعم از مادی و معنوی معرفی شده و بین برکت و نظام جاری اسباب و مسببات منافاتی نیست. چنان‌که معتقدند برکت، امری نسبی است و در هر چیزی به حسب هدفی است که در آن نهفته است (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، صص ۲۸۰-۲۸۲). نظر به فرموده حضرت رسول ﷺ، خانه‌ای که موجبات بهره‌مندی دیگران را فراهم آورد، موجب پایداری و رشد خیر برای ساکنان آن می‌شود.

از دیگر مفاهیم تعیین‌کننده درخانه، مفهوم «صله رحم» است که یکی از شئون اصلی آن، حضور ارحام در خانه است. اینکه خانه فضایی برای پذیرش مهمان داشته باشد و حضور مهمان محلّ جریان زندگی اهل خانه نشود، زمینه‌ساز انجام صله رحم است و

۱. امام علی علیه السلام در بصره به عیادت علاء بن زیاد حارثی رفت و علاء از اصحابش بود. چون فراخی خانه‌اش را دید، چنین فرمود: «سرایی به این فراخی در دنیا به چه کارت می‌آید و حال آنکه، در آخرت نیازت بدان بیشتر است. البته اگر بخواهی، با همین خانه به خانه آخرت هم خواهی رسید، هرگاه در آن مهمانان را طعام دهی و خویشاوندان را بنوازی و حقوقی را که به گردن توست ادا کنی. بدینسان، به خانه آخرت هم پرداخته‌ای» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹).


حضور مهمان در خانه و توصیه به در نظر گرفتن اتاقی جهت مهمان از مصداق‌های بهره‌مندی دیگران از خانه است. نظر به اهمیت حضور مهمان در خانه، از «اتاق مهمان» به‌عنوان زکات خانه نام برده شده است (نهج الفصاحه، ۱۳۸۲، ص ۶۳۲). بخش بیرونی، در خانه‌های سنتی نواحی گرم و خشک ایران این کارکرد را به‌خوبی ایفا می‌کرد. خانه را بابت برگزاری مهمانی‌ها و مراسمات مختلف در اختیار همسایگان قراردادن، رسمی جاری در بین مردم بوده است که مصداق این نوع از بهره‌مندی است. این بهره‌مندی درخصوص ارحام و ذی‌القربی، بیشتر مورد تأکید است و همجواری ارحام با یکدیگر امکان این بهره‌مندی را فراهم می‌آورد. الحاق ذریه مؤمنان به والدین مؤمن‌شان در بهشت (طور، ۲۱)، تصویری است از خانواده مطلوب و ایده آل. در قرآن کریم همجواری ارحام به‌عنوان لطف و احسان الهی ذکر شده است (قرآنی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۸۷) و در تفسیر آیه «وَ جَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ» (یوسف، ۱۰۰)، حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام به‌عنوان مصداق مشمولان لطف و احسان الهی، پس از استقرار خانواده‌اش را نزد خود آورد (قرآنی، ۱۳۹۳، ص ۸۱). این شکل از خانواده با خانواده گسترده عمودی انطباق دارد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، رواج صلۀ رحم را موجب آبادانی شهرها می‌دانند (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۴۱). بر این مبنای، برای آبادانی شهر، می‌بایست از مقیاس خانه شروع کرد. خانه‌هایی که امکان پذیرش دیگران را داشته باشد و در همسایگی آن، ارحام سکونت داشته باشند منجر به شهری می‌شود که آباد است. چنان‌که هسته شکل‌گیری شهرها و روستاهای ایران خانواده‌هایی بودند که در کنار اقوام خود زندگی می‌کردند و به‌تدریج گسترش یافتند و یک روستا و یا یک محله را شکل دادند. از همجواری و ارتباط این محلات شهرها پدید آمد. از این‌رو هنوز در روستاها و بخش‌های اصیل شهرهای ایران، بسیار دیده می‌شود که افراد هر محله نام خانوادگی واحدی دارند (صیرفی‌ان‌پور، ۱۳۹۰، ص ۴۳). بهره‌مندی دیگران از خانه با تأکید بر ارحام، توصیه‌ای رفتاری است که لوازم کالبدی خاص خود را می‌طلبد. خانه باید مرزی مشخص با دیگر خانه‌ها داشته باشد، لکن نوع مرزگذاری و فضاهای خانه، امکان بهره‌مندی دیگران و حضور مهمانان را فراهم آورد.

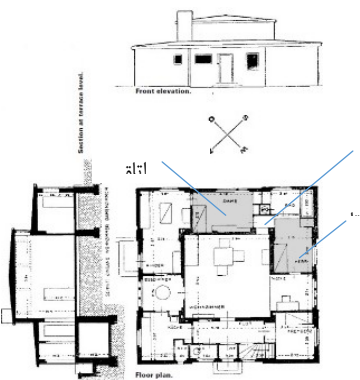
### ۳. بررسی تطبیقی موضوعات اسلامی خانه در سوره نور با مدل‌های غربی

دیدگاه‌های غربی موجود در حوزه مسکن را می‌توان ذیل دو عنوان «جمع‌گرا» و «فردگرا» مورد بررسی قرار داد. در مسکن‌های اشتراکی مارکسیستی، تکیه بر ضرورت با هم‌بودن است. معیار با هم‌بودن خانواده‌ها از روابط نسبی و سببی اخذ نمی‌شود، بلکه جبر شغلی یا ضوابط بالا دستی علت آن است. مسئله اذن در روابط، فاقد اعتبار است چرا که عدم وجود مرزهای مشخص بین فضای زندگی خانواده‌ها، امکان اجازه‌خواستن را فراهم نمی‌آورد و به دلیل نبود فضای کافی خانوادگی و تنگناهای فیزیکی، افراد و خانواده‌ها موضعی تدافعی جهت برقراری رابطه مستقیم و پذیرش دیگران دارند. در این مسکن، بهره‌مندی از امکانات مشترک صورت می‌گیرد، نه از خانه‌های یکدیگر. محدودیت امکانات مشترک، خانواده‌ها را در موضع رقابت بهره‌مندی از آن قرار می‌دهد و مجالی برای بهره‌رسانی از امکانات فردی و خانوادگی نمی‌گذارد.

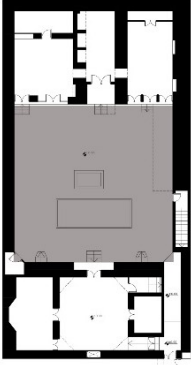
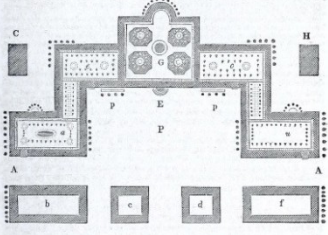
در مسکن حداقلی که از سوی نگرش مارکسیستی ارائه شده، هر امر، غیر از خواب و اعمال فردی، از نگهداری کودکان تا پذیرایی از افراد خانواده یا مهمان، نه تنها از قسمت خصوصی خانه جدا می‌شود، بلکه از کل مسکن به خارج از خانه و عرصه عمومی انتقال می‌یابد. در مسکن حداقلی مربوط به نگرش پیشرفته، صرف خروج از عرصه خصوصی شهری که همان خانه‌ها است و کنار هم قرار گرفتن افراد در عرصه‌های عمومی، هدف برنامه‌ریزی فضا است (ناری قمی و عباس‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۵۸). از این منظر خانه، حوزه تدافعی فرد است و مفهوم «خلوت»، تدابیر تدافعی را معرفی می‌کند (رک. آلتمن، ۱۳۹۳، ص ۱۳). مبتنی بر دیدگاه فردگرا، ضرورت با حفظ فضای فردی است و مهمانی‌های درون خانه هم اگر واقع شود کارکردی فردی دارد که بنا بر تحلیل گافمن همان نمایش قدرت و ثروت فرد به دیگران است. با اخراج کارکردهای جمعی، نظیر مهمان‌داری و کودک‌داری از خانه، سه‌گانه «با هم‌بودن»، «رابطه مستقیم» و «بهره‌مندی» در خانه حداقلی مدرنیستی، منتفی می‌شود؛ چرا که ماهیت سه‌گانه مذکور مبتنی بر ارتباط با دیگران است.

جدول ۲. رابطه مستقیم در خانه (اذن)، در دیدگاه‌های اسلامی، جمع‌گرا و فردگرا (نگارندگان)

شرح	نمونه	دیدگاه	نوع رابطه
<p>وجود پیش‌فضاها در شکل‌های متنوع امکان اذن‌خواهی را برای اهل خانه فراهم می‌آورد.</p>	 <p>خانه مرتاض، یزد. (فرجو و دیگران، ۱۳۸۳)</p>	<p>۱. لزوم اذن‌خواهی برای ارتباط مستقیم ۲. اذن، مفهومی زمانی و مکانی دارد ۳. لزوم تربیت اسلامی برای اذن‌خواهی ۴. لزوم وجود مرزهای فضایی در خانه و بین خانه و بیرون برای فراهم‌آوردن امکان استیذان</p>	اسلامی
<p>مجتمع مسکونی اثر میس وندرروهه در کوی وایسنهوف، در مسیر تحقق ایده‌آل‌های مارکسیستی شکل‌گرفت. واحدهای این مجتمع مسکونی فاقد در ورودی جهت تعریف حریم خانواده‌ها است و امکان اذن‌خواهی جهت ورود به عرصه خانواده را فراهم نمی‌آورد.</p>	 <p>واحدهای مسکونی بدون درب ورودی (Teige, K., 2002)</p>	<p>۱. عدم لزوم اجازه ۲. عدم وجود مرزهای مشخص فضایی جهت فراهم‌آمدن امکان اذن‌خواهی</p>	جمع‌گرا

شرح	نمونه	دیدگاه	نوع رابطه
<p>طرح «گنورگ موشه» و «آدولف میسر» تحت عنوان خانه تجربی خانواده در باوهاوس، میان جایگاه پدر، مادر و فرزندان، تمایز عمده‌ای قائل نشده و برای پدر و مادر دو اتاق مجزای یک نفره تدارک دیده که به واسطه یک راهروی خصوصی به هم متصلند. تأکیدی افراطی بر حریم فردی.</p>	 <p>تفکیک اتاق پدر و مادر از هم.</p> <p>(Teige, K., 2002)</p>	<p>۱. محدودبودن امکان ارتباط مستقیم در خانه</p> <p>۲. ارتباطات مستقیم با دیگران، به مکان‌هایی غیر از خانه واگذار شده است؛ نظیر رستوران، کافه.</p>	<p>فردگرا</p>

جدول ۳. با هم‌بودن در خانه (طوف)، در دیدگاه‌های اسلامی، جمع‌گرا و فردگرا (نگارندگان)

دیدگاه	ویژگی‌ها	نمونه	شرح
اسلامی	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. اختیار در «با هم‌بودن»</li> <li>۲. لزوم فراهم‌آوردن امکان با هم‌بودن در خانه</li> <li>۳. «با هم‌بودن» مقدمه «صله ارحام» است</li> <li>۴. اولویت ارحام</li> <li>۵. محوریست والدین و پدربزرگ و مادر بزرگ و خانه ایشان به عنوان محل با هم‌بودن</li> </ol>	 <p>پلان خانه آیت‌الله روحانی، واقع در قم. (بیات و دیگران، ۱۴۰۱)</p>	<p>حیاط خانه، محل حضور بانوان اقوام و دوستان در عصرها و شب‌های بهار و تابستان و بازی کودکان است. حضور این طیف از افراد لزوماً به روابط مستقیم منجر نمی‌شود، لکن امکان آن را فراهم می‌آورد.</p>
جمع‌گرا	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. ضرورت با هم‌بودن به واسطه امکانات مشاع</li> <li>۲. خلاصه‌شدن معنای مسکن در این مفهوم</li> <li>۳. عدم وجود معیار روابط نسبی در با هم‌بودن</li> </ol>	 <p>پلان فالانستر؛ چارلز فوریه. (پاکزاد، ۱۳۸۶)</p>	<p>پلان یک فالانستر، از دکتربین‌های چارلز فوریه (۱۸۴۴) اثر پارک گادوین. منطقه خاکستری تیره خود ساختمان است. مناطق با علامت a, o, e, u، حیاط داخلی «تزیین شده با درختان و درختچه‌ها» و G باغ اصلی با گلخانه است. خانواده‌ها حریمی برای خود ندارند و ناگزیر در به واسطه فضاهای جمعی سرپوشیده و سرپاز در کنار یکدیگر هستند.</p>
فردگرا	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. نفی با هم‌بودن در مسکن</li> <li>۲. پیشنهاد عرصه‌های عمومی و فضای سوم برای با هم‌بودن</li> <li>۳. با هم‌بودن در خانه با کارکرد نمایشی</li> <li>۴. عدم وجود معیار روابط نسبی برای با هم‌بودن</li> <li>۵. مبنای فراغت برای با هم‌بودن</li> </ol>	 <p>پلان و نمای بیرونی از یک خانه نجیب‌زادگان در انگلیس، برکشایر. (kerr, 2007)</p>	<p>خانه نجیب‌زادگان؛ وجود فضاهای متعدد برای هر یک از افراد خانواده. پدر و یا مادر خانواده برای ملاقات سایر افراد خانواده، به واسطه خدمه، ایشان را به یکی از اتاق‌های خود دعوت می‌کردند. در این خانه‌ها با هم‌بودن به زمان‌های محدودی نظیر وقت صرف غذا محدود می‌شد.</p>

جدول ۴. بهره‌مندی دیگران از خانه (اکل)، در دیدگاه‌های اسلامی، جمع‌گرا و فردگرا  
(نگارندگان)

دیدگاه	ویژگی‌ها	نمونه	شرح
اسلامی	<p>۱. ضرورت بهره‌مندی افراد از خانه‌های یکدیگر به عنوان یک تکلیف.</p> <p>۲. اولویت ارحام در بهره‌مندی از خانه.</p> <p>۳. تأکید بر بهره‌مندی نیازمندان، دوستان و مؤمنان</p> <p>۴. عدم تفاوت خانه‌های مؤمنان با یکدیگر به عنوان ایده‌آلی که در شرایط جامعه اسلامی امکان وقوع دارد.</p>	 <p>پلان مجموعه خانه انصاری؛ بخش بیرونی، بم. (بهزادفر، ۱۳۷۶)</p>	<p>تفکیک فضاهای خانه به بیرونی و اندرونی از مختصات خانه ایرانی است؛ این امر در خانه‌های کوچک، با تخصیص یک اتاق مجاور ورودی به بیرونی محقق می‌شود، اما در نمونه‌های بزرگ مانند این مثال که مربوط به شهر بم است، بیرونی، می‌تواند تا حد یک خانه، وسعت یابد و یک حیاط مجزا به آن تخصیص داده شود؛ مطبخ وسیع، شاه‌نشین، پذیرایی، محل اقامت طولانی با حیاط مستقل، از اجزایی است که در این بیرونی، ملاحظه می‌شود.</p>



شرح	نمونه	ویژگی‌ها	دیدگاه
<p>«فالانستر» شارل فوریه  (۱۷۷۲-۱۸۳۷) از مشهورترین  اتوپیا‌های سوسیالیستی ارائه  شده در سده نوزدهم است که  تلاش‌های زیادی برای تحقق  آن در نقاط مختلف جهان  صورت گرفت (در فرانسه،  دالازی، در روسیه، پتروشفسکی،  در امریکا، مزرعه بروک و ... -  (رک: پاکزاد، ۱۳۸۶). «فوریه  همواره به دنبال جامعه‌ای  اشتراکی برای ۱۶۰۰ نفر (۴۰۰  خانوار) بود. او می‌گفت: چرا  ۴۰۰ تا آشپزخانه، ۴۰۰ انباری،  ۴۰۰ رختشوی‌خانه داشته باشیم  وقتی که یکی کفایت و چرا  باید ۴۰۰ خانه یا ساختمان  داشته باشیم، وقتی می‌توانیم  یک خانه را برای ۴۰۰ خانوار  بسازیم» وی در مورد ساختار  خانواده نیز «خاستگاه مشکلات  را در ازدواج قانونی می‌دید و آن  را نوعی معامله اقتصادی -  تجاری، بین انسان‌ها قلمداد  می‌کرد» (رک: پاکزاد، ۱۳۸۶)  این الگو در گنجره سوم سیام،  دوباره مطرح و توصیه شد.</p>	  <p>«فالانستر» شارل فوریه.  (پاکزاد، ۱۳۸۶)</p>	<p>۱. بهره‌مندی از امکانات  مشترک؛ نه از  خانه‌های یکدیگر  ۲. پرهیز از بهره‌مندی  دیگران از خانه‌های  شخصی</p>	

شرح	نمونه	ویژگی‌ها	دیدگاه
<p>حد ایده‌آلی مسکن فردگرا، یک اتاق خواب دوفنره است و تمام کارهای اجتماعی از آن به سطح عمومی منتقل شده و بچه‌ها نیز تمام وقت در اختیار تعلیمات عمومی‌اند.</p> <p>کارل تایگه، مؤلف کتاب مسکن حدّاقل در بخش‌های انتهایی کتاب، الگوی ایده‌آلی این مسکن را هتل‌های امریکایی می‌داند که در آن تمام سرویس‌های زندگی خارج از بخش خصوصی (اتاق) و به صورت عمومی ارائه می‌شود.</p>	 <p>سوئیت هتل به عنوان الگوی ایده‌آل مسکن                      (Teige, K., 2002)</p>	<p>۱. عدم امکان بهره‌مندی از خانه‌ها</p> <p>۲. بهره‌مندی از مکان سوم و فضاهای عمومی شهری</p>	<p>فردگرا</p>

### نتیجه‌گیری

دیدگاه اسلامی ضمن احترام برای مالکیت افراد، مالکیت اصلی را از آن خداوند می‌داند و آنچه در روابط افراد حکم‌فرما است، تکالیف افراد نسبت به یکدیگر بر تعالیم الهی مبتنی است. این تکلیف محوری در «مکان» نیز ظهور می‌یابد؛ از این‌رو دیدگاه اسلامی در موضوع سکونت نه فردگرا و نه جمع‌گرا، که تکلیف‌گرا است. تکالیف در قالب آدابی بیان شده و آداب سکونت اسلامی نیازمند آموزش و فرهنگ‌سازی است؛ چنان‌چه امروزه این امر در موضوع آپارتمان‌نشینی بدیهی می‌نماید. در این نوشتار آداب

سکونت مبتنی بر سوره مبارکه نور، ذیل سه عنوان «رابطه مستقیم»، «بهره‌مندی» و «باهم‌بودن» شناسایی و دسته‌بندی و به‌عنوان مبنایی برای تحلیل خانه ارائه شد. حد مطلوب اسلامی سه گانه مذکور، در قیاس با وضعیت فردگرا و جمع‌گرا تبیین شده است. ضرورت بهره‌مندی دیگران از مسکن، ویژگی شاخص مسکن اسلامی است. این ضرورت بر فرد مسلمان حمل می‌شود، نه بر مکان زندگی؛ پس خانه مطلوب، از یک سو، برخلاف مدل‌های جمع‌گرا، واجد مرزی با بیرون است که آن را از خانه همسایگان، محله و شهر جدا می‌کند و از سوی دیگر، برخلاف مدل‌های فردگرا، ظرفیت بهره‌مندی دیگران را فراهم می‌آورد. این بهره‌مندی به واسطه حیات وسیع، اتاق مهمان، بخش بیرونی و سایر تمهیداتی که در رجوع به خانه‌های سنتی ایرانی قابل شمارش است صورت می‌پذیرد. از منظر اسلام مفهوم «دیگران»، طیفی از روابط و تکالیف را با اولویت خانواده به همراه دارد. این طیف روابط و تکالیف از شدیدترین مرتبه آن، که والدین هستند شروع و در مراتب دیگر، ارحام، ذی‌القربی، یتیمان، فقیران و دیگران به تدریج ضعیف می‌شود؛ ولی هیچ‌گاه مرتفع نمی‌شود و می‌بایست اقتضائات این تکالیف مرتبه‌مند در مسکن اسلامی رعایت شود. این طیف در رویکردهای جمع‌گرا و فردگرا لحاظ نشده است و ظهورات آن در الگوهای مسکن منسوب به آن رویکردها و روحیات و رفتارهای کاربران آن قابل ملاحظه است.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم (مترجم: محمد مهدی فولادوند). تهران: دارالقرآن الکریم.
- \* نهج البلاغه (۱۳۹۰). مترجم: علی شیروانی. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- \* نهج الفصاحه (۱۳۸۲). مترجم: ابوالقاسم پاینده. تهران: دنیای دانش.
۱. آلتمن، آروین. (۱۳۹۳). محیط و رفتار اجتماعی (مترجم: علی نمازیان). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۱). معانی الأخبار. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۱۴، چاپ سوم). بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۴. اشعث کوفی، محمد بن محمد. (۱۳۹۱). الجعفریات. تهران: مکتبه النینوی الحدیثه.
۵. برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دارالکتب اسلامیه.
۶. بهزادفر، مصطفی. (۱۳۷۶). طرح جامع شهرستان بم. کرمان: سازمان مسکن و شهرسازی.
۷. بیات، سوسن؛ زجاجی، نیلوفر و امیدواریان، محمد. (۱۴۰۱). خانه‌های تاریخی قم. قم: بوستان کتاب.
۸. پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۶). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۱): از آرمان تا واقعیت. تهران: آرمانشهر.
۹. دهدست، کوثر؛ قبادی، شهاب. (۱۳۹۹). تبیین شاخص‌های گسست در خانواده ایرانی متأثر از فرایند نوسازی: یک فراتحلیل کیفی. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۱(۴۳)، صص ۱۵۸-۱۲۱.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۶۱). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دارالکتب العربیه.

۱۱. صیرفیان پور، مصطفی. (۱۳۹۰). مرتبت تدریج؛ احیای بستر زندگی خانواده گسترده. معماری اقلیم گرم و خشک، (۱)، صص ۵۶-۴۱.
۱۲. طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن (۱). تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۳. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۶۷). ترجمه تفسیر المیزان (ج ۱ و ۱۵، مترجمان: ناصر مکارم شیرازی و دیگران). قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی رحمته الله علیه.
۱۴. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق. قم: شریف رضی.
۱۵. طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۷۹). مشکاة الأنوار (مترجمان: مهدی هوشمند و عبدا... محمدی). قم: دارالتقلین.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۴ق). الأملی شیخ طوسی. قم: دارالثقافه.
۱۷. فرجو، غزال؛ رسولی، جلیل؛ شهناز، آرش؛ نوربخش، هدیه؛ موسوی روضاتی، مریم دخت؛ جلیلیان، شهلا؛ زرینی، حسین؛ خرم، بابک؛ حاجی قاسمی، کامبیز و صابونیان یزد، مهدی. (۱۳۸۳). گنجنامه: فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران: خانه‌های یزد. تهران: روزنه و دانشگاه شهید بهشتی.
۱۸. قرائتی، محسن. (۱۳۸۷). تفسیر نور (ج ۴). تهران: موسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۹. قرائتی، محسن. (۱۳۹۳). سیمای مسکن و شهر اسلامی. تهران: موسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۰. قربانی، رحیم. (۱۳۹۴). شاخص‌های معماری و شهرسازی اسلامی: خانه، مسجد، بازار، راه و آرامگاه (ج ۱). تهران: انتشارات شبکه اندیشه.
۲۱. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۳۷۹). الکافی (ج ۶). تهران: دارالکتب اسلامیه.
۲۲. گروت، لیندا؛ یانگ، دیوید. (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در معماری (مترجم: علیرضا عینی‌فر). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. لسانی فشارکی، محمدعلی؛ مرادی زنجانی، حسین. (۱۳۹۳). روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم. قم: بوستان کتاب.
۲۴. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۱۰ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ج ۶۶، ۷۳ و ۷۶). بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

۲۵. مدنی پور، علی. (۱۳۸۷). فضاهای عمومی و خصوصی شهر (مترجم: فرشاد نوریان). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۲۶. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۲۷. مغربی، نعمان بن محمد. (۱۳۸۵ق). دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحکام (ج ۲، مصحح: آصف فیضی). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۸. ناری قمی، مسعود؛ عباس زاده، محمدجواد. (۱۳۹۵). مکان‌مندی ذهنیت فرزندان از نقش پدری در خانه بین خانواده‌های تبریزی. هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۲۱(۶۵)، صص ۶۶-۵۵.
۲۹. ناری قمی، مسعود. (۱۳۸۹). مطالعه‌ای معناشناختی در باب مفهوم درونگرایی در شهر اسلامی. هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ش ۴۳، صص ۸۲-۶۹.
۳۰. ناری قمی، مسعود. (۱۳۹۵). پارادایم‌های مسئله در معماری. تهران: انتشارات علم معماری.
۳۱. نجفی، محمدحسن. (۱۳۹۱). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام (ج ۲۶، مصححان: عباس قوچانی و علی آخوندی). بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۳۲. نیلی پور، مهدی. (۱۳۹۰). سوره نور و خانواده مهدوی. نشریه امان، ش ۳۴، صص ۴۳-۴۲.
33. Hillier, B. (2007). *Space is the machine, A configurational theory of architecture*. Press syndicate of the University of Cambridge. London.
34. Kerr, R. (2007). *The Gentleman's House, in Housing and dwelling*. perspectives on modern domestic architecture, edited by: Barbara Miller Lane, Routledge, London, pp. 155-163.
35. Teige, K. (2002). *The minimum dwelling, translated and introduced by Eric Dluhosch*. Massachusetts Institute of Technology, US.
36. Tummers, L. (2015). Understanding co-housing from a planning perspective: why and how? *Urban research & practice*, 8(1), pp. 64-78.

## References

- \* *The Holy Quran* (Fouladvand, M. M, Trans.). Tehran: Dar al-Qur'an al-Karim.
- \* *Nahj al-Balagheh* (1390 AP). (Shirvani, A, Trans.). Qom: Supreme Leader's Representative Institute in universities. [In Persian]
- \* *Nahj al-Fasaha* (1382 AP). (Payandeh, A, Trans.). Tehran: Dunyaye Danesh. [In Persian]
1. Altman, A. (1393 AP). *Environment and social behavior* (Namazian, A. Trans.). Tehran: Shahid Beheshti University Press. [In Persian]
  2. Ash'ath Kufi, M. (1391 AP). *Al-Jaafariat*. Tehran: Maktabah Al-Neinavi al-Hadithah. [In Persian]
  3. Barqi, A. (1371 AP). *Al-Mahasen*. Qom: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Persian]
  4. Bayat, S., & Zojaji, N., & Omidvarian, M. (1401 AP). *Historical houses of Qom*. Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
  5. Behzadfar, M. (1376 AP). *Comprehensive plan of Bam city*. Kerman: Housing and Urban Development Organization. [In Persian]
  6. Dehdast, K., & Qobadi, S. (1399 AP). Explaining the breakup indicators in the Iranian family affected by the modernization process: a qualitative meta-analysis. *Culture of Counseling and Psychotherapy*, 11(43), pp. 121-158. [In Persian]
  7. Farjo, G., & Rasouli, J., & Shahnava, A., & Nourbakhsh, H., & Mousavi Rozati, M., & Jalilian, Sh., & Zarini, H., & Khorram, B., & Haji Qasmi, K., & Sabunian Yazd, M. (1383 AP). *Ganjnameh: Culture of Iranian Islamic Architecture: Houses of Yazd*. Tehran: Rozaneh and Shahid Beheshti University. [In Persian]
  8. Grote, L., & Young, D. (1385 AP). *Research methods in architecture* (Einifar, A. R, Trans.). Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
  9. Hillier, B. (2007). *Space is the machine, A configurational theory of architecture*. Press syndicate of the University of Cambridge. London.
  10. Ibn Babevayh, M. (1361 AP). *Ma'ani al-Akhbar*. Qom: Islamic Publications Institute affiliated with Qom Seminary Teachers Society. [In Persian]

11. Ibn Manzoor, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (Vol. 14, 3<sup>rd</sup> Ed.). Beirut: Dar al-Fekr le al-Taba'ah va al-Nashr va Al-Tawzi'a. [In Arabic]
12. Kerr, R. (2007). *The Gentleman's House, in Housing and dwelling. perspectives on modern domestic architecture*. (Lane, B. M, Ed.). Routledge, London, pp. 155-163.
13. Koleyni Razi, M. (1379 AP). *Al-Kafi* (Vol. 6). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Persian]
14. Lesani Fesharaki, M. A., & Moradi Zanjani, H. (1393 AP). *Thematic research method in the Holy Quran*. Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
15. Madanipour, A. (1387 AP). *Public and private spaces of the city* (Noorian, F, Trans.). Tehran: Urban Processing and Planning Company. [In Persian]
16. Maghrebi, N. (1385 AH). *Da'aim al-Islam va Zikr al-halal va al-Haram al-Qadaya va al-Ahkam* (Vol. 2, Feizi, A, Ed.). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
17. Majlesi, M. B. (1410 AH). *Bihar al-Anwar al-Jama'ah le Dorar Akhbar al-A'imah al-Athar* (Vol. 66, 73 & 76). Beirut: Dar al-Taaruf le al-Matbu'at. [In Arabic]
18. Mostafavi, H. (1368 AP). *Al-Tahqiq fi Kalamat al-Qur'an al-Karim*. Tehran: Allameh Mostafavi Publishing Center. [In Persian]
19. Najafi, M. H. (1391 AP) *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharia al-Islam* (Vol. 26, Quchani, A., & Akhundi, A, Ed.). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Persian]
20. Nari Qomi, M., & Abbaszadeh, M. J. (1395 AP). Placement of children's mentality of father's role at home among Tabrizi families. *Fine Arts - Architecture and Urban Planning*, 21(65), pp. 55-66.
21. Nari Qomi, M. (1389 AP). A semantic study about the concept of introversion in the Islamic city. *Fine Arts - Architecture and Urban Planning*, 43, pp. 69-82.
22. Nari Qomi, M. (1395 AP). *Problem paradigms in architecture*. Tehran: Science of Architecture Publications. [In Persian]
23. Nilipour, M. (1390 AP). Surah Noor and the Mahdavi family. *Aman magazine*, 34, pp. 42-43. [In Persian]



24. Pakzad, J. (1386 AP). *The course of ideas in urban planning (1): from ideal to reality*. Tehran: Armanshahr.
25. Qara'ati, M. (1387 AP). *Tafsir Noor* (Vol. 4). Tehran: Lessons from Quran Cultural Institute. [In Persian]
26. Qara'ati, M. (1393 AP). *The appearance of housing and the Islamic city*. Tehran: Lessons from Quran Cultural Institute. [In Persian]
27. Qorbani, R. (1394 AP). *Indicators of Islamic architecture and urban planning: house, mosque, market, road and tomb* (Vol. 1). Tehran: Andisheh Network Publications. [In Persian]
28. Ragheb Esfahani, H. (1361 AP). *Mufradat Alfaz al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Kotob al-Arabiya. [In Persian]
29. Seirfianpour, M. (1390 AP). Gradual order; Revival of extended family life. *Architecture of hot and dry climate*, (1), pp. 41-56. [In Persian]
30. Tabarsi, A. (1379 AP). *Mishkaat al-Anwar* (Houshmand, M., & Mohammadi, A, Trans.). Qom: Dar al-Saqalain. [In Persian]
31. Tabarsi, H. (1370 AP). *Makarim al-Akhlaq*. Qom: Sharif Razi. [In Persian]
32. Tabatabaei, S. M. H. (1367 AP). *Translation of Tafsir al-Mizan* (Vol. 1 & 15, Makarem Shirazi, N et al, Trans.). Qom: Allameh Tabatabaei Scientific and Cultural Foundation. [In Persian]
33. Taleghani, S. M. (1362 AP). *A light from the Qur'an (1)*. Tehran: Intishar Company. [In Persian]
34. Teige, K. (2002). *The minimum dwelling*, (Dluhosch, E, Trans.). Massachusetts Institute of Technology, US.
35. Tummers, L. (2015). Understanding co-housing from a planning perspective: why and how? *Urban research & practice*, 8(1), pp. 64-78.
36. Tusi, M. (1414 AH). *Amali Sheikh Tusi*. Qom: Dar al-Thaqafa. [In Arabic]